

پژوهشی در فقه

شیخ طوسی

قدس سره

بخش اول

سید مهدی طباطبایی



۲۱۰

در شماره های پیشین، مقالاتی درباره ابعاد و ویژگی های مختلف فقه شیخ مفید و سید مرتضی قدس سره و کلیه آثار فقهی ایشان عرضه داشتیم و در این شماره به بررسی و پژوهش در ابعاد مختلف فقه شیخ طوسی قدس سره می پردازیم.

این سبک نوشتارها، پژوهشی نوین و مستند را در متن آثار فقهی فقیهان دنبال می کند و بر آن است تا با مراجعه مستقیم به آثار و مصنفات هرفقیه یا دیگر منابع مورد لزوم، جنبه های تازه ای از روش ها، مبانی، آراء، تاثیر گذاری و دیگر ویژگی های فقاها بزرگان و اساطین فقه اهل بیت علیهم السلام را به ترتیب تاریخی، کاوش و عرضه کرده و نیز با رویکردی متفاوت با آنچه تاکنون انجام شده است به کتاب شناسی کلیه آثار فقهی ایشان بپردازد.

لازم به ذکر است از بیان سرگذشت و رویدادهای تاریخی عصر هر فقیه و مواردی چون اساتید، مشایخ، شاگردان و... که ارتباطی با موضوع بحث نداشته و صرفاً جنبه

اطلاع رسانی دارند و می توان آنها را در کتاب های تراجم و تاریخی دنبال کرد، خودداری شده است.



پیش گفتار

۱. شیخ الطائفه و سید الطائفه

اینک که به پژوهش درباره یکی از بزرگترین و پر نفوذترین فقیهان صاحب مکتب قرن های چهارم و پنجم هجری، که به حق لقب شیخ الطائفه را از آن خود نموده است، می پردازیم، جا دارد یادی کنیم از بدیل وی در ابعاد مختلف علمی و عملی، سید الطائفه الامامیه، آیه الله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی - اعلی الله مقامه الشریف - و به مناسبت یادمان وی در چهلمین سالگرد وفاتش، به گوشه هایی از اندیشه های وی و ارتباط بسیار نزدیک حوزه های فکری این دو بزرگوار پردازیم.

اما به نظر می رسد در بررسی این مطلب مجبور خواهیم بود همه جوانب شخصیت علمی سید الطائفه، و یا بیشتر آن را مورد مطالعه و تحلیل قرار دهیم؛ چه، بر هر گوشه ای از کارها و فعالیت ها و اندیشه های او که انگشت بگذاریم، درمی یابیم که به منزله حلقه هایی است متصل به هم، که بررسی مستوفای آن بدون چشم داشت به دیگر محورها ناممکن است و از سویی، هریک به نوعی مرتبط است با اندیشه ها و خدمات علمی و فقهی شیخ الطائفه و یا مکمل کارهای اوست.

اهداف، روش ها، مبانی و بالاخره وسعت نظر و گستره تحقیق و نوآوری این دو بزرگوار، از جنبه های مختلف، آن قدر به یکدیگر نزدیک است که نمی توانیم به یک جنبه، مثلاً فقه خلاف و تقریب بین المذاهب و یا آثار رجالی و حدیثی ایشان اکتفا کنیم، بلکه باید بحث را به طور ریشه ای مورد بررسی و مطالعه قرارداد و با نگاهی کلی و فراگیر، به زندگی و آثار و خدمات مرحوم بروجردی و سپس شیخ الطائفه پردازیم؛ امری که کمتر دیده می شود بدین شکل در مورد این دو اندیشمند، و یا دیگر فرهیختگان جامع اندیش



فوت‌ها بلیت

پژوهشی در فقه شیخ طوسی

انجام شده باشد، و آنچه بیشتر جلب توجه می کند، تحلیل و تبیین آرا و انظار جزئی و خرد ایشان بوده، که آن نیز به جای خود ارزنده و مهم است.

در این جا، به دلیل استطرادی بودن این بحث و محدودیتی که داریم، تنها به ارائه چارچوب و نمایی کلی از جنبه های مختلف حیات علمی سید الطائفه و آثار و خدمات او در گستره فقه و مبانی و لواحق آن، اکتفا نموده و امیدواریم در مجالی وافر آن را با تفصیل و تعمیق بیشتر به بحث بگذاریم.

بدین منظور پنج محور اساسی را اصل قرار می دهیم، که هریک به نوعی بر شکل گیری شخصیت علمی و فقهی آیه الله بروجردی و آثار و خدمات وی در عرصه های مختلف، مؤثر بوده است و از طریق این پنج محور و نیز ویژگی های هریک، سعی می کنیم به خطوط فکری سید الطائفه، به خصوص وجه اشتراك و ارتباط وی با شیخ، دست پیدا کنیم، با این توضیح که آنچه در ذیل هر محور به عنوان نتایج فکری و آثار علمی درج گردیده، به منزله انجام آن در برهه یا شرایط زمانی خاصی نیست، بلکه مقصود بیان جهت گیری فکری سید الطائفه تحت تأثیر این عوامل و شرایط است که بالاخره در مدت فراغت از تحصیل، در موطن خویش و یا در زمان زعامت و ریاست او بر حوزه علمیه قم و جهان تشیع، به ارائه این خطوط فکری نائل شده است.

۱. مکتب فقهی اصفهان

۱.۱. استادان^۱

- میرزا ابوالمعالی کلباسی (۱۲۴۷-۱۳۱۵ ق) = علوم حدیث و رجال.

- سید محمد باقر درچه ای، (۱۲۶۴-۱۳۴۲ ق) = فقه و اصول.

- سید محمد تقی مدرّس، (۱۲۷۳-۱۳۳۷ ق) = فقه و اصول.

۱. جز موارد مذکور، در فلسفه و علوم عقلی نیز نزد افرادی چون ملا محمد کاشی و جهانگیر خان قشقایی به تحصیل پرداخته است.



۱.۲. ویژگی ها:

- دخالت ندادن علوم عقلی در حوزه معرفت فقهی.
- رجحان مستندات روایی در استنباط احکام.
- رونق علوم حدیث و رجال.

۱.۳. جهت گیری فکری آیت الله بروجردی و آثار و خدمات او

۱. پیراستن علم اصول از مباحث غیر ضروری به خصوص علوم عقلی

- الحاشیه علی کفایة الاصول.

- شرح کفایة الاصول (تقریرات).

- تأسیس مکتب اصولی خاص خود در حوزه علمی قم.

۲. طرحی نو در تنظیم متن و سند احادیث فقهی، (جهت صحت و سهولت امر استنباط).

- جامع احادیث الشیعه.

- ترتیب اسانید الکافی، التهذیب، الاستبصار، الفقیه، و ...

۲. مکتب فقهی نجف اشرف:

۲.۱. استادان

- آخوند خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق) = اصول.

- سید محمد کاظم طباطبائی (۱۲۴۷-۱۳۲۷ق) = فقه.

- شیخ الشریعه اصفهانی (۱۲۶۶-۱۳۳۹ق) = رجال.



فقه اهل بیت

پژوهشی در فقه شیخ طوسی

۲.۲. ویژگی ها:

۱. داخل نمودن بیش از حد مباحث عقلی و استطرادی در علم اصول.
۲. گرایش به سمت تطوّر علم رجال.
۳. برخورداری از مبانی و روش های فقهی صاحب جواهر و شیخ اعظم انصاری.

۲.۳. جهت گیری فکری آیه الله بروجردی و آثار و خدمات او:

۱. تلاش در حذف زواید و غوامض علم اصول و تعدیل این مکتب در این زمینه.
۲. روش مند نمودن فقه در استفاده مطلوب تر از منابع اجتهاد.

۳. جهت دهی علم رجال در نظریه و تطبیق.

- طبقات الرواة

- تعلیقه علی رجال النجاشی.

- تعلیقه علی منهج الرجال.

- مستدرک فهرست منتجب الدین.

- تعلیقه علی رجال الطوسی.

۳. حوزه های علمی و فقهی اهل سنت:

۳.۱. پیشینه های فکری آیه الله بروجردی

۱. نگاه تاریخی به فقه، و این که بسیاری از مباحث فقهی شیعه در گستره تاریخ، حاشیه ای برفقه سنت و ناظر بدان بوده است و لازم است جهت فهم دقیق تر فقه شیعه، نسبت به مذاهب دیگر نیز شناخت داشت.



سال ۶ / شماره ۲۳

۲. بینش عام نسبت به همه جهان اسلام، به عنوان عنصری واحد در برابر افکار الحادی و مادی.

۳. تأسف از حضور نداشتن فقه شیعه در میان دیگر مذاهب، و وجود اندیشه های ناصحیح و بعضاً منحرف نسبت بدان.

۳. ۲. آثار و خدمات:

۱. ترغیب به مطالعه فقه عامه.

۲. تأسیس دارالتقريب بين المذاهب.

۳. اهتمام به نشر کتب فقه تطبیقی

- تعلیقه و تصحیح خلاف.

- تعلیقه و تصحیح مبسوط.

۴. فقه جامعه و مقلدان:

۴. ۱. ویژگی ها

قرار گرفتن آیه الله بروجردی بر مسند مرجعیت و گرایش مردم از دور و نزدیک به سمت وی، که بیش از همه چیز متأثر از سنجیه های اخلاقی و ژرفای فقهی و جامع اندیشی وی بود، موجب شد آثار و خدمات زیادی از وی برجای بماند، که به تناسب موضوع بحث، برخی از آنها عبارتند از:

۴. ۲. آثار و خدمات

۱. تألیف و رواج رساله های مختلف عملیه، از جمله رساله توضیح المسائل، به زبان فارسی، که تاکنون محور فتاوی مراجع تقلید می باشد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



فوت‌ها

پژوهشی در فقه شیخ طوسی

۲. اداره مذهبی و فرهنگی جامعه و برخورد قاطع با موارد تخلف از شرع، چه از

سوی مردم بوده باشد یا حکومت وقت.

۳. احیا و عمران مساجد، حسینیه ها و مراکز فرهنگی بسیار زیادی در داخل و خارج کشور.

۵. زعامت حوزه علمیه:

۵.۱. ویژگی ها

۱. مرجعیت مطلق جهان تشیع.

۲. رشد و توسعه حوزه علمیه قم در زمینه های علمی و عملی.

۳. توجه شیعیان کشورهای غربی و غیر اسلامی به حوزه قم.

۵.۲. آثار و خدمات

۱. مدیریت حوزه در سطحی کلان و گرایش دادن آن به سمت برنامه ریزی و نظم

در شؤون مختلف.

۲. تنظیم و هدایت امور تبلیغی در داخل و خارج.

۳. احیاء میراث فقهی و علمی شیعه، مانند:

- مبسوط (همراه با تعلیقه)

- خلاف (همراه با تعلیقه)

- منتقى الجمعان.

- المواهب السنيه

- مفتاح الکرامه (۲ جزء آخر).

و

۲. شیخ الطائفه، نکات مقدماتی

شیخ الطائفه، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی (۳۸۹-۴۶۰ ق.) دست پروردهٔ مکتب فقهی - کلامی بغداد و خود صاحب مکتب فقهی پر دامنه ای است که پس از گذشت بیش از هزار سال، بازهم آرا و اندیشه ها و نیز مبانی و منهج فقهی وی مورد توجه پژوهشگران و فقیهان می باشد. به جهت عظمت و گستردگی دامنهٔ آثار، انظار و مبانی فقهی شیخ، طبیعی است که پژوهش در فقه وی نیز کاری بس دشوار می نماید و دقت و تعمق وافر را می طلبد. لذا در این مقاله، سعی داریم با کاوش در آثار وی و بدون آن که مبنای خود را مدعیات بدون استناد تاریخ پژوهان فقهی قرار دهیم، به طور مستند به این مهم پرداخته و بکوشیم لااقل راه را بر پژوهش های بعدی هموار کنیم.

پیش از ورود به مباحث اصلی، ذکر دو نکته لازم است:

۱. در عصر شیخ، جریانات فرهنگی، علمی و سیاسی متنوعی حاکم بوده است که مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر بسیاری بر جهت گیری فقه او و نیز تطور فقه امامیه به دست وی داشته است؛ مواردی از قبیل قرار گرفتن وی در بغداد و در کنار فرقه های مختلف فقهی اهل سنت، حاکمیت آل بویه بر ایران و تسلط آنان بر بغداد، مرکز حکومت عباسیان و بالاخره هجرت شیخ به نجف اشرف و تأسیس حوزه علمی و فقهی در آن سامان.

با این که تحلیل و بررسی این شرایط و احوال، در دریافت دقیق تر مباحث بعدی تأثیر بسزایی خواهد داشت، اما با توجه به این که ذکر تفصیلی همه آنها از اهداف این نوشتار خارج بوده و در این مختصر نمی گنجد، لذا پی گیری آنها را به عهده خواننده محترم می گذاریم.^۲

۲. ر. ک: جعفریان، رسول، تاریخ ایران اسلامی، دفتر دوم؛ فقیهی، علی اصغر، آل بویه؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷؛ واعظ زاده خراسانی، مقدمه تحقیق الرسائل العشر؛ طهرانی، آقا بزرگ، مقدمه تحقیق الثبایان؛ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها؛ مدرسی طباطبایی، سید تقی، مقدمه ای بر فقه شیعه (ترجمه از عربی).



۲. پویایی و رشد و جهت گیری علم فقه در هر عصر و برهه ای در وهله نخست بستگی به نوع و میزان مسائل و مشکلاتی دارد که تحت تاثیر شرایط و نیازهای مختلف فرد و جامعه، در برابر علم فقه قرار می گیرد و فقیه باید با هوشمندی و ژرف اندیشی خویش، بکوشد تا از همین مسائل، که گاهی به صورت شبهه نیز بروز می کنند، در توطر مبانی و روش های استنباط و عرضه فقه، سود جوید، و گرنه، جوهره علم فقه - که استنباط حکم شرعی رفتار های مختلف فرد و جامعه، بر اساس مبانی متخذ از شرع و عقل است - در همه ادوار ثابت می باشد.

با حفظ این اصل، مروری کوتاه بر مسائل و دغدغه هایی که شیخ طوسی در مورد فقه امامیه با آنها روبه رو بود، می کنیم؛ مسائلی که در واقع عناصر و پیش فرض های اصلی پژوهش در فقه شیخ را نیز تشکیل می دهند و در مباحث بعدی ضمن پردازش بیشتر، آنها را مبنای بررسی های خود قرار می دهیم:



۱. از انزوا در آوردن فقه شیعه و طرح آن در میان سایر مذاهب اسلامی؛
۲. استحکام و تقویت احکام فقهی مختص شیعه و پاسخ گویی به شبهات مخالفین در مورد تفرد شیعه در آن احکام؛
۳. زدودن مسائل غیر فقهی از فقه و به تبع آن اصول فقه و پیراستن و تنظیم و ترتیب فقه، در سبک های مختلف آن.
۴. تحکیم مبانی فقهی متداول در میان امامیه و نیز ارائه دیدگاه این فرقه در مورد برخی از ادله و مبانی احکامی که در میان دیگر فرقه های اسلامی متداول بوده و تعیین دایره مشروعیت آنها.

۵. اعلام دیدگاه امامیه در مورد فروع و موضوعات فقهی متداول در میان فرقه های اهل سنت و از این طریق پاسخ گویی به تنقیص و تشنیع شیعه از سوی مخالفان، به خاطر کمی فروع فقهی امامیه، که در واقع توانایی مبانی ایشان را در ارائه حکم شرعی

در مورد آن فروغ، هدف قرار داده بودند.^۳

۱. روش های فقهی شیخ طوسی

پویایی و تطور فقه، رابطه عمیقی با شیوه و منهج ارائه مباحث فقهی دارد. به همین دلیل نیز شناخت منهج فقهی هر فقیه و هر دوره فقهی، تاثیر بسزایی در شناخت ویژگی ها و محصولات فکری آن فقیه یا دوره و مکتب دارد اگرچه در بررسی روش های فقهی، بیشتر به تحلیل و تبیین جنبه های صوری فقه می پردازیم تا مسائل و محتوا و مبانی؛ اما باید توجه داشت که همین امر، به آن محتوا قالب داده و بلندآ و عظمت فقاها را به مرحله بروز و خود نمایی می کشاند.

شیخ طوسی یکی از معدود فقهای صاحب روش و سبک فقهی است که سالیان متمادی، فقهای متأخر را به پرورش و تکامل مناهج فقهی خویش واداشت و توانست در این راه به نوآوری ها و اصلاحاتی دست زند که از زوایای مختلف قابل بررسی است.

در واقع، بدون کم کردن از محتوای عمیق و مبانی فقهی مستحکم وی به صراحت می توان گفت که تکامل و جاودانگی فقه شیخ در گرو روش های پایدار و بدیع وی در فقه بوده است و همین امر ضرورت بررسی و کنکاش بیشتر در آن را مضاعف می کند.

در این فصل ضمن پرداختن به این موضوع، یادآور می شویم که جزئیات و نمونه های بیشتر در مورد هر روش، در فصل کتاب شناسی فقهی شیخ نیز به تناسب موضوع، پی خواهد آمد.

۳. شیخ الطایفه در زمان خود مواجه بود با نوع دیگری از اشکال تراشی و عیب جویی از جانب عامه، که این بار فقه شیعه را به کمی تفریعات متهم می کردند. باید بدانیم که در عصر او، به خاطر اقدامات مؤثر استادانش در زدودن اشکال پیرامون مسائل متفرد شیعه، تا حد زیادی از شدت این مسأله کاسته شده بود و شیخ نیز دغدغه کمتری در مورد آن داشت.



فصل اول

پژوهشی در فقه شیخ طوسی

۱-۱. فقه تطبیقی

در بخش فقه پژوهی سید مرتضی، در خصوص تعریف و مشخصه های این روش فقهی، به طور اجمال توضیحاتی بیان شد. در این جا جهت تکمیل آن بحث و پیش از ورود به تبیین سبک و روش شیخ در فقه تطبیقی، بیان این نکته لازم است که فقهای امامیه به طور اخص، در این روش فقهی، بر اساس انگیزه هایشان و مقتضیات و شرایط تاریخی و تعامل های علمی و فرهنگی میان مذاهب، اهداف مختلفی را دنبال می کنند و به تبع آن، سبک های متعددی از فقه تطبیقی بروز می کنند که در مجموع می توان دو هدف و سبک کلی را برای آن برشمرد:

۱. بیان موارد اختلاف فقهای یک یا چند مذهب فقهی در احکام و موضوعات شرعی، بدون انجام موازنه و مقایسه میان آنان، و اکتفا به ارائه اقوال با ذکر نام قائلان یا بدون ذکر آن.

معمولاً به این نوع، فقه تطبیقی «فقه مقارن» می گویند.

۲. ذکر موارد اختلاف میان فقهای یک یا چند مذهب فقهی و انجام موازنه میان آنها و بالاخره اثبات قول صحیح بر اساس ادله مورد قبول که گاهی نیز با مناقشه دیگر اقوال همراه است.

معمولاً از این سبک، به «علم الخلاف» تعبیر می شود و کتاب هایی که در این موضوع نوشته شده، دو دسته اند:

الف) کتاب هایی که به مقایسه اختلاف امامیه با دیگر مذاهب و فرق فقهی اسلامی می پردازند. در این نوع تألیفات، هدف اصلی، دفاع از اقوالی است که فقهای اهل سنت مدعی هستند مخصوص شیعه امامیه است. این امر با دو کار صورت می پذیرد:

اول: مستند کردن آن حکم و تبیین ادله امامیه، حتی بر اساس برخی از مبانی اهل سنت که شیعه بدان معتقد نیست.

دوم: معرفی قائلان به این قول یا قولی نزدیک به آن از اهل سنت و بدین وسیله در

فقه تطبیقی



فقه تطبیقی

سال ۶ / شماره ۲۳

فقه تطبیقی

۲۲۰

آوردن شیعه از تهمت انفراد.

ب) کتاب هایی که به مقایسه میان اقوال مختلف فقهای مذهب امامیه نگارش یافته است و در این راه هر مؤلف ملزم است به بررسی کامل اقوال مختلف و قائلان به آنها پردازد و براساس ادله و مبانی مورد قبول، از قول انتخاب شده دفاع کند.

معمولاً هدف فقهای عامه در فقه تطبیقی، نوعی اطلاع رسانی از اقوال فقهای مذاهب مختلف بوده است و جز در مواقعی که به مقایسه دیدگاه های مذاهب چهارگانه پرداخته شده، هدف آنها بالابردن یک مذهب و دفاع از قول معینی نبوده است. از سویی سابقه فرقه های فقهی اهل سنت در تأسیس و تألیف به این روش، به دلیل چندگانگی مذاهب آنان و فراوانی و تشتت اقوال در میان آنان بعد از عصر پیامبر اکرم (ص)، بیشتر از امامیه بوده و به دوره شکل گیری فقه استدلالی و اجتهاد در میان آنان برمی گردد.^۴

اما در میان فقهای امامیه - تا آنجا که از آثار برجای مانده از ایشان برمی آید - آغازگر این روش مکتب بغداد به زعامت شیخ مفید^۵ و پس از او سید مرتضی است، که کتاب های انتصار و ناصریات وی را در مقالات گذشته، به تفصیل مرور کردیم.

هدف عمده آنان مقابله با نسبت ها و عیب جویی های ناروای فقهای عامه در مورد فقه امامیه بود و مهم تر از همه، این که می گفتند: برخی از آرای فقهی امامیه برخلاف دیگر مذاهب فقهی و اجماع مسلمانان است. لذا آن را بدعت خوانده و خروج از دین تلقی می کردند. فقهای عامه با بزرگ نمودن این مطلب، می کوشیدند به اختلافات دامن زده و بالاخره به انزوای امامیه و دور شدن حکومت و مردم از پیشوایان آنها بینجامد. از این رو، دفاع از مذهب - که یکی از بهترین راه های آن روش فقه تطبیقی و علم الخلاف بود -

۴. ابن خلدون در مقدمه تاریخ خود (ص ۴۵۶-۴۵۷) به تعریف علم الخلاف و ذکر تصانیف فقهای عامه در آن می پردازد که مطالعه آن مغتنم است. همچنین ر. ک: محمد تقی الحکیم، الاصول العامة للفقہ المقارن، ص ۱۳.

۵. کتاب فقهی وی در این زمینه عبارت است از: الاعلام فیما اتفقت الامامیه علیه من الاحکام مما اتفقت العامة علی خلافهم فیہ، که آن را به درخواست شاگردش، سید مرتضی تألیف کرده است.



در صدر اهداف فقهای امامیه در این دوره قرار گرفت.

شیخ طوسی نیز پس از استادان خود، با همین انگیزه به تألیف در فقه تطبیقی اقدام کرد و اثر اصلی وی در این مورد، کتاب الخلاف است؛ اگر چه در دیگر آثار فقهی خود - به خصوص کتاب مبسوط - نیز به بیان دیدگاه های عامه و مقایسه آن با فقه امامیه پرداخته است.

اما در شیوه اعمال این روش و برخورد با مخالفان و عرضه فقه الخلاف، میان او و استادانش تفاوت های ظریفی وجود دارد، که در زیر به آنها اشاره می کنیم.

اول این که شیخ نیازی نمی دید مانند شیخ مفید و سید مرتضی، در ظاهر عبارات خود و در هریک از فروع، مرتباً و به طور متناوب، به این نکته تصریح کند که این حکم اختصاص به شیعه دارد و سپس با لحنی توأم با جدل، از آن دفاع نماید. این بدان معنا نیست که او، لحن تند و دفاع گونه استادان خود را نمی پسندید، بلکه دلیل این نوع موضع گیری آن است که وی دیگر نیازی به این تعابیر تند نمی دید و اقدامات استادان خود را در به ثمر رسیدن بخشی از اهدافشان کافی می دید و اکنون لازم می دانست با این شبهات و اشکالات، به صورت عادی تر برخورد کرده و بهای چندانی به آنها ندهد و در عوض، برای فقه شیعه، در میان دیگر مذاهب فقه اسلامی - به خصوص در روش علم الخلاف - جای تازه ای باز نماید و این امر می بایست با سبک و لحن عادی و متداول آن روش فقهی انجام می پذیرفت، که شیخ سعی داشت آن را رعایت کند.

بنابراین، روش فقه تطبیقی شیخ در هدف، مطابق با کارهای استادانش و متأثر از آنهاست؛ چنان که در سبک استدلال نیز از ایشان الگو گرفته است؛ اما در کلیت کار و پردازش عبارات و مناقشات، به روش اصلی و متداول علم الخلاف و آنچه در آن زمان مرسوم بوده، پای بند شده است و چه بسا همین امر موجب شده کتاب خلاف او نسبت به آثار مفید و مرتضی در فقه تطبیقی، از شهرت بیشتری برخوردار باشد و اغلب، او را بانی این روش فقهی بدانند.



فقه و حدیث

سال ۶ / شماره ۲۳

۲۲۲

دومین تفاوت - که در واقع متفرع بر تفاوت اول نیز می باشد - آن است که شیخ بیش از دیگران، به بیان فروع فقهی می پردازد و حجم کتاب خلاف او، در عین ایجاز در عبارت، بسیار بیشتر از انتصار است.

این بدان دلیل است که شیخ در خلاف می کوشد از شیوه متداول فقه تطبیقی استدلالی، پیروی کند؛ لذا خود را مانند سید به ذکر فروع متفرد امامیه ملتزم نمی کند؛ بلکه از احکامی که در آنها اغلب فقیهان عامه با امامیه اتفاق نظر دارند نیز یاد می کند.^۶ همچنین وی بیش از سید، به نقل آرای فقها و استقصای اقوال می پردازد؛ امری که لازمه یک کتاب خلاقی و از مؤلفه های اصلی آن می باشد.

از عوامل مهم که موجب فراوانی تفریعات شیخ در خلاف شده، نکته ای است که در مقدمه مباحث به آن اشاره داشتیم و آن این است که شیخ در بیشتر آثار فقهی اش،^۷ بر آن است که بر فروع فقهی شیعه بیش از پیش بیفزاید و در مورد هر یک، رأی و نظر امامیه را بر اساس مبانی آن تعیین کند.

جهت تبیین بیشتر مطالب مذکور، عباراتی را از سید و شیخ، در ذیل مسأله استحباب قنوت در نماز، نقل کرده و شیوه برخورد آنها را با این فرع، از نظر می گذرانیم.

سید مرتضی (ره) در ناصریات می نویسد:

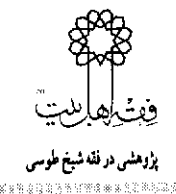
وَمَا يَظُنُّ انْفِرَادَ الْإِمَامِيَّةِ بِهِ، الْقَوْلُ بِأَنَّ الْقَنُوتَ فِي كُلِّ صَلَاةٍ وَالِدَعَاءِ فِيهِ بِمَا أَحَبَّ الدَّاعِيَ مُسْتَحَبًّا، وَهُوَ قَوْلُ الشَّافِعِيِّ؛ لِأَنَّ الطَّحَاوِيَّ حَكَمَ عَنْهُ فِي

۶. مانند خلاف، ج ۱، ص ۷۸، م ۲۶ وج ۴، ص ۱۸۵، م ۷ وج ۴، ص ۱۷۱، م ۲ وج ۶، ص ۸۵، م ۱۶. اینها نمونه هایی است که فقهای عامه و خاصه در آنها تقریباً اتفاق دارند؛ اما فروعی که میان امامیه و برخی از فقها و مذاهب عامه یا بیشتر آنها، اتفاق نظر هست، از تعداد زیادی برخورد دارند که این امر با مراجعه ای اجمالی به کتاب خلاف به دست می آید.

۷. این مطلب در مورد منهج عرضه و استدلال فقهی، به ویژه در آثاری که در زمان زعامت او بر امامیه نوشته شده است، صدق می کند و در فصول بعد، مستندات آن را که در درجه نخست مقدمه شیخ بر مبسوط است، نقل می کنیم.



www.rah-e-gharbi.com



كتاب الاختلاف أن له أن يقتت في الصلوات كلها عند حاجة المسلمين إلى الدعاء .

والحجة لنا : مضافاً إلى إجماع الطائفة ، قوله تعالى : «وقوموا لله قانتين» . فإذا قيل : القنوت هاهنا هو القيام الطويل ، قلنا : المعروف في الشريعة أن هذا الاسم يختص الدعاء في الصلاة ، ولا يعرف من إطلاقه سواء ، وبعد فإننا نحمله على الأمرين .^٨

شيخ طوسي در خلاف می نگارد :

مسألة : القنوت مستحب في كل ركعتين في جميع الصلوات بعد القراءة ، فرائضها وسننها ، قبل الركوع ، فإن كانت الفريضة رباعية كان فيها قنوت واحد في الثانية من الأولتين ، وإن كانت جمعة كان فيها قنوتان على الإمام في الأولى قبل الركوع وفي الثانية بعد الركوع ، وهو مسنون في ركعة الوتر في جميع السنة .

وقال الشافعي : القنوت مستحب في صلاة الصبح خاصة بعد الركوع فإن نسيه كان عليه سجدة السهو . وقال : يجري ذلك مجرى التشهد الأول في كونه سنة ، وقال في سائر الصلوات : إذا نزلت نازلة قولاً واحداً يجوز ، وإذا لم تنزل كان على قولين ؛ ذكر في الأم : أن له ذلك ، وقال في الاملاء : إن شاء قنت وإن شاء ترك .

وقال الطحاوي : القنوت في سائر الصلوات لم يقل به غير الشافعي ، وذكر الشافعي أن بمذهبه قال في الصحابة الأئمة الأربعة أبو بكر وعمر وعثمان وعلي عليه السلام ، وبه قال أنس بن مالك وإليه ذهب الحسن البصري وبه قال مالك والأوزاعي . وابن أبي ليلى قال : وهكذا القنوت في الوتر في النصف الأخير من شهر رمضان لا غير .





وحكي عن قوم أنّ القنوت في الصبح مكروه و بدعة، حكي ذلك عن ابن عمرو ابن مسعود و ابي الدرداء و به قال أبو حنيفة و الثوري و اصحاب أبي حنيفة.

وقال أبو حنيفة: مسنون في الوتر لا غير، طول السنة. وقال أحمد: إن قننت في الصبح فلا بأس، وقال: يقنن أمراء الجيوش.^۹

شیخ به دنبال این مطالب به استدلال بر قول مختار خود می پردازد که به جهت طولانی بودن، از ذکر آن صرف نظر می کنیم.

جزئیات بیشتر و ساختار روش تطبیقی شیخ، همچنین مقایسه بیشتر کار او با آثار شیخ مفید و سید مرتضی، در فصل کتاب شناسی کتاب خلاف عرضه می شود.

۲-۱. فقه فتوایی

از دیگر روش هایی که شیخ الطایفه به وسیله آن، به عرضه فقه امامیه و تثبیت آن پرداخته است، روش «فقه فتوایی» است. پیش از وی نیز بزرگان فقه شیعه، هریک به نوعی، به بیان آراء و انظار و محصول اجتهاد خویش، در قالب فتاوی عاری از استدلال و مناقشه اقدام می جسته اند. کتاب هایی نظیر هدایه و مقنع از شیخ صدوق (ره)، مقنعه از شیخ مفید ره و جمل العلم والعمل از سید مرتضی، از این نوع آثار هستند. معمولاً هدف هریک از این آثار آن بوده است که با دسته بندی و تنظیم فتوای آن فقیه، آنها را در اختیار جامعه علمی و فقهی و نیز مقلدان وی قرار دهد.

اما در این میان، روش فتوایی شیخ طوسی (ره) از ویژگی ها و برجستگی هایی برخوردار است که او را از دیگران ممتاز کرده و تاثیر بسیار عمیقی در جهت گیری و تطور این روش، در آیندگان برجای گذاشته است.

مهم ترین اثر شیخ در این روش، کتاب النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی می باشد، که

۹. خلاف، ج ۱، ص ۳۷۹-۳۸۰، م ۱۳۷.



فقه هابلیت

پژوهشی در فقه شیخ طوسی

محور اصلی بررسی ما نیز همان است. شیخ در این اثر، جز آن که در هدف فوق - یعنی تنظیم و تنقیح فروع و دسته بندی آنها - از موقّعیّت های بسیاری برخوردار بوده، بر آن است که تا حدّ ممکن، تمام فروع و احکام شرعی مورد ابتلا و بحث در میان امامیه و احياناً عامّه را در عباراتی هماهنگ و سهل الوصول، ترکیب و عرضه کرده و از هرگونه ایجاز و اطناب مخلّ به فهم معانی، پرهیز کند.

شیخ با رعایت ترتیب متداول ابواب فقهی، در هریک از ابواب سعی می کند فروع مورد نظر را در جای خود قرار دهد و هریک از موضوعات و فصول را به ترتیب منطقی آنها بچیند. همچنین می کوشد فقه فتوایی خود را بدون ذکر هرگونه استدلال یا قول دیگران عرضه کند.

از نکات ظریف فقه فتوایی شیخ آن است که وی در عین حال که به نقل فروع مختلف اهتمام دارد، کمتر اتفاق می افتد که از دایره احکام کلی و مسائل اصلی ابواب خارج شده و به ذکر مصادیق بپردازد. شاید همین امر سبب شد کتاب نهایی او مورد توجّه فقهای بعدی در تدریس و شرح و نظر قرار گیرد.^{۱۰}

این سبک تالیف در دوره های بعد بیشتر مورد توجّه واقع شد و فقیهانی چون محقق حلّی و علامه حلّی در کتاب های فتوایی خویش - مانند شرایع، نافع، تبصرة المتعلّمین و قواعد الاحکام - کوشیدند به امّهات احکام بپردازند که حکم مصادیق و متصرّعات آنها با قدری امعان نظر در آن کلیات به دست می آید.

سخن بیشتر در مورد ویژگی های روش فتوایی شیخ را در فصل کتابشناسی آثار فتوایی او پی می گیریم و در آن جا به طور مستند، تفاوت های روش وی را با دیگر فقیهان پیش از او تحلیل می کنیم.

فقه تفریعی از دیگر روش های فقهی شیخ است که به دلیل مبدع بودن وی در آن، بیش از سایر مناهج فقهی وی مورد توجه فقه پژوهان واقع شده است و براساس همین روش، شیخ فروع بسیاری از اهل سنت را وارد فقه امامیه کرد و این فروع تا مدت مدیدی در متون فقهی شیعه باقی ماند.

درواقع میان فقه تفریعی و فقه تطبیقی شیخ ارتباط زیادی وجود دارد؛ بدین صورت که یکی در خدمت دیگری است و از آن بهره برداری می کند. آنچه شیخ به عنوان مسائل و فروع در ذیل یک فصل ذکر می کند، بیش از هر چیز ناظر به اقوال و آرای دیگر اصحاب امامیه و در غالب موارد عامه است و این خود نوعی فقه تطبیقی و علم الخلاف است که هدف اصلی و جنبه آشکارتر آن ارائه اقوال مختلف در مسأله نیست؛ بلکه منظور آن است که اقوال و فروع مختلف در هر مسأله بیان شود و به واسطه آن، دیدگاه امامیه در مورد صحت و سقم و دلیل اقوال عامه و نیز مناقشه با آن ذکر شود و بالاخره به فروعی که شاید براساس مبانی امامیه جایی برای ذکر آنها نیست، نیز به طور مستدل پرداخته شود.

شیخ در این روش ابتدا حکم اصلی و کلی مسأله را مطرح و سپس شقوق و محورهای مختلف آن را بیان می کند. تسلط و جامع نگری وی در فقه تفریعی به حدی است که هر نوع احتمالی را در مورد صورت های مختلف مسأله، حتی اگر براساس قول امامیه صحیح نبوده و با حکم اصلی باب منافات داشته باشد، ذکر می کند.

جهت آشنایی بهتر با روش شیخ در فقه تفریعی، نمونه ای از کتاب مبسوط را از نظر می گذرانیم:

فصل في دية الجنين:

إذا ضرب بطن امرأة فالقت جنيناً كاملاً وهو الحرّ المسلم فديته عندنا مائة دينار
و عندهم فيه غرة عبد أو أمة بقيمة نصف عشر الدية. والغرة من كل شيء
خياره



فیه شریعت

پژوهش در فقه شیخ طوسی

سپس روایاتی از عامّه و خاصّه را که دلالت بر قول آنها دارد، ذکر کرده و ادامه

می دهد:

فإن أَلقتَ جنيناً ميتاً بضربة ففیه الدية مائة دينار و عندهم غرّة، لما مضى، و فيه الكفارة، و إن أَلقتَ جنينين ففیهما ديتان مائتا دينار و عندهم غرّتان و إن أَلقتَ ثلاثة أجنة فثلاث مائة دينار و عندهم ثلاث غرر و ثلاث كفّارات، و إن کان الجاني اثنين فعليهما الدية و كفّارتان، كما لو قتل رجلاً فالدية واحدة، و على كلّ واحدة كفّارة و على هذا أبداً.

فإذا ثبت هذا فإنما يجب ذلك بالجنين الكامل، و کماله بالإسلام و الحرية. أمّا إسلامه فبابويه أو بأحدهما، و أمّا الحرية فمن وجوه أن تكون أمه حرة أو تحبل الامة في ملكه أو يتزوج امرأة على أنّها حرة، فإذا هي امة أويطأ على فراشه امرأة إذا كان أبوه أيضاً حراً، و إن كانت الام مملوكة، فإنّ الولد يلحق بالحرية عندنا. وفي كلّ هذه المواضع ما تقدّم ذكره من مائة دينار

أو غرّة.^{۱۱}

تفصیل بیشتر در مورد این روش فقهی و ویژگی های آن را در فصل کتاب شناسی آثار

فقهی شیخ، به ویژه کتاب مبسوط، بیان می کنیم.

۱-۴. فقه استدلالی

شیخ طوسی یکی از بزرگ ترین بنیان گذاران و توسعه دهندگان روش اجتهاد و استنباط فقهی است که مانند آن در ادوار گذشته فقه امامیه، متداول نبوده است. البته ما معتقدیم که شیخ این روش اجتهاد و استدلال را در محضر استادان خود شیخ مفید و سید مرتضی - فرا گرفته که در مقالات پیشین به تفصیل در این خصوص سخن راندیم؛ لذا به نظر می رسد این که برخی وی را مؤسس اجتهاد مطلق معرفی کرده اند، وجهی

۱۱. مبسوط، ج ۷، ص ۱۹۳.

نداشته باشد. ۱۲

به هر حال سخن درباره روش استدلالی شیخ و ویژگی های آن در دو محور زیر خلاصه می شود:

محور اول: بررسی و دریافت اسلوب های استدلال فقهی شیخ؛

محور دوم: مبانی و اصول فقهی شیخ در استدلال.

اما در مورد محور اول، باید بگوییم که وی در استدلال بر احکام فقهی از سه اسلوب عمده بهره جسته است:

۱. فقه استظهاری. براساس آن، شیوه و مبنای استدلال و استنباط حکم شرعی استظهار از آیات و روایات به وسیله بررسی سند، مفهوم، دلالت، تعارضات و ... در مورد آن دو منبع فقهی خواهد بود.

این اسلوب، روش انحصاری اجتهاد و استنباط فقهی در میان اصحاب امامیه از زمان ائمه اطهار علیهم السلام تا مکاتب فقهی قم و ری بود.

در این برهه، که فقه شیعه مراحل اولیه شکل گیری و رشد استنباط و اجتهاد فقهی را طی می کرد، با توجه به محدود شدن موضوعات مورد ابتلا در همان روایات نقل شده از معصومان علیهم السلام، دایره استظهار از روایات نیز محدود بوده و ابزار اصلی آن بیشتر در شناخت دقیق سند و دلالت اخبار منحصر می گردید. ۱۳

اما با پدید آمدن موضوعات و سؤالات دیگری از سوی مقلدان و سایر مذاهب فقهی، لازم بود استظهار از آیات و اخبار نیز کارآمدتر گردد.

از جمله ابتکارات شیخ در شیوه های استنباط و استدلال فقهی، رشد و توسعه این اسلوب است که نزدیک بود با منهجی که اصحاب حدیث و سید مرتضی، هریک به نوعی،

۱۲. علامه آقا بزرگ تهرانی در مقدمه خود بر تفسیر تبیان (ص: و) می گوید: «فقد أسس طريقة الاجتهاد المطلق في الفقه و اصوله».

۱۳. ر. ک: آصفی، محمد مهدی، تاریخ فقه اهل البيت (مقدمه ریاض المسائل)، ص ۳۵.



فقه اهل بیت

پژوهشی در فقه شیخ طوسی

اتخاذ کرده بودند، کم کم از مسیر خود در پاسخ گویی به سؤالات فقهی، منحرف شده یا از رونق بیفتند.

اما وی توانست با تطوّر و رشد فقه استظهاری^{۱۴}، نه تنها پاسخ بسیاری از سؤالات نوپیدا را در آورد، بلکه در برخی از آرای فقهی، براساس استظهار از روایات، برخلاف اسلاف خود، حتی استادانی چون شیخ مفید و سید مرتضی، پیش رفت. کتاب های روایی تهذیب الاحکام و استبصار نمونه هایی هستند که در آنها فقط شیوه فقه استظهاری به کار رفته است.

۲. فقه استدلالی تحلیلی. به کارگیری اصول و قواعد عقلی و تحلیل های مبتنی بر عدم قطعیت حکم شرعی، در استنباط فقهی، یکی از حسّاس ترین جریانات فقهی در طول تاریخ فقه امامیه بوده است که به جهت همین حسّاسیت و ظرافت، همواره بحث ها و اختلافات بسیاری را نیز برانگیخته است. آغاز این امر را به طور جدی باید در قدیمین - ابن ابی عقیل عمّانی و ابن جنید اسکافی - دانست؛ اما آنها چه بسا در تطبیق برخی از این قواعد برخلاف اصول امامیه پیش رفتند و احیاناً متوسّل به قیاس ظنی شدند.^{۱۵} و شاید از همین روی بود که این نوع فقه استدلالی مورد استقبال فقهای محدث واقع نشد.

ضوابط و شرایط استفاده از این قواعد استدلالی در مکتب بغداد از جهت نظری مورد تنقیح و تصحیح قرار گرفت و به صورت عملی نیز به وسیله شیخ مفید و سید مرتضی، به متن فقه وارد شد، تا این که نوبت به شیخ الطائفه رسید.

وی ضمن تکمیل اقدامات استادانش در تحکیم مبانی و به کارگیری صحیح اصول عقلی،

۱۴. لازم به ذکر است که شیخ در این راه اولاً کوشید از جهت مبنا، از حجّیت خبر واحد دفاع کند و ثانیاً با توسعه ابزار دلالتی، مانند ادله لفظیه، توان بهره برداری از روایات را افزایش دهد. در جای خود، بیشتر به این دو موضوع می پردازیم.

۱۵. ر. ک: گرجی، دکتر ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، ص ۱۳۷.



کوشید در اثبات احکام و فروع خارج از موضوع روایات، به شایستگی از آنها بهره گیرد. این دو اسلوب در عین حال که حکایت از شکل و صورت بیان ادله فقهی شیخ دارند، روش های استنباطی وی نیز محسوب می شوند؛ زیرا واضح است که هرگونه استدلال و اقامه دلیل را که فقیه برای حکمی شرعی بیان داشته است، نمی توان مبنای استنباط وی نیز قلمداد کرد و این امر در مورد اسلوب سوم استدلال های شیخ بیشتر روشن می شود.

اهمیت و ویژگی اجتهاد شیخ آن است که وی توانست دو اسلوب فوق را با یکدیگر در آمیزد و در تمام فقه جاری سازد. این امر از مهم ترین ابتکارات شیخ در فقه استدلالی است و در واقع او بود که با اخذ نقاط مثبت روش های پیشینیان به فقه تطوّر و اعتلا بخشید. کتاب های مبسوط و خلاف نمودی از همین ابتکار و نوآوری شیخ می باشند.



۳. فقه استدلالی مدافعی. با قدری تسامح در تسمیه، مقصود روشی است که شیخ در دفاع از مذهب امامیه در مقابل مذاهب فقهی عامّه اتخاذ کرده و به وسیله آن به مناظره و استدلال بر آراء امامیه و نقض اقوال عامّه می پردازد. ماده استدلال وی در این روش اموری مانند روایات عامّی است که مورد قبول شیخ نیستند؛ اما برای اقناع و احتجاج بر خصم، مجبور است از آنها بهره جوید.

ویژگی بارز شیخ در این روش، تسلط عمیق او بر مبانی فقهی عامّه، به ویژه روایات آنان و نیز قدرت مجادله و مناظره با آنان است.

در مورد ساختار و شاکله این اسلوب، در فصل مبانی شیخ و نیز در بررسی کتابهای فقه تطبیقی وی، بیشتر صحبت می کنیم.

اما محور دوم از مراحل بررسی شیوه فقه استدلالی شیخ - یعنی مبانی و اصول فقهی وی که بیشتر جنبه محتوایی دارد تا روش شناسی - در ادامه مباحث و در فصلی مستقل پی خواهد آمد.